

کندوکاوی تحلیلی بر نقش فرهنگ در طراحی کالبد معماری (نمونه موردی خراسان شمالی شهرستان بجنورد)

مجتبی امامی

گروه معماری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

فرامرز حسن پور^۱

گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، زابل، ایران

حسین مهرپویا

گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۰

چکیده

در دوران مختلف تاریخ ویژگی‌های فرهنگی قبیله‌ای، قومی، اقلیمی، آیین‌ها و... تاثیر خود را بر طراحی کالبد معماری بر جای گذاشته است. تفاوت در ویژگی‌های فرهنگی اقلیم‌های مختلف موجب پیدایش شکل‌های متمایزی در فضاها و زیستی و شکل سکونتگاه‌ها شده است. هدف از انجام این پژوهش کندوکاوی تحلیلی بر نقش فرهنگ در طراحی کالبد معماری در خراسان شمالی شهرستان بجنورد می‌باشد. از آن جایی که افراد ساکن این استان و شهرستان از قومیت‌های مختلف تشکیل شده است، دو قوم ترکمن و کرمانج را انتخاب نموده و مطالعات و بررسی‌های انجام شده را با تمرکز بر این دو قوم قرار دادیم؛ که اکثریت ساکنین این شهرستان را تشکیل می‌دهند. در راستای رسیدن به این مقصود سه سوال اساسی مطرح می‌باشد: ۱- فرهنگ چه نقشی در نوع کالبد معماری استان خراسان شمالی دارد؟ ۲- مهم‌ترین شاخص فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه‌های فرهنگی خراسان شمالی کدام است؟ ۳- بیشترین فضای تاثیرپذیر از فرهنگ در معماری کدام است؟ در پی پاسخگویی به سوالات فوق به مطالعه اسنادی نظام مند و سیستماتیک پرداخته و در ادامه با چند تن از نخبگان حوزه مربوطه مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفته است و نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌های فرهنگی همچون بازنمایی روابط و نقش‌های جنسیتی، حفظ حریم خصوصی و محرمیت بر مبنای فرهنگ جنسیتی، پیوندهای فردی و اجتماعی بیشترین تاثیر را بر کالبد معماری خراسان شمالی داشته است. بر پایه ویژگی‌های فرهنگی فوق کالبد معماری در میان این دو قوم به دو نوع معماری درون‌گرا و برون‌گرا طبقه می‌شود. معماری درون‌گرا با تاکید بر جدایی عرصه‌های عمومی و خصوصی در میان کرمانج‌ها و معماری برون‌گرا با تاکید بر تلفیق عرصه عمومی و خصوصی در میان ترکمن‌ها مشاهده می‌گردد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، کالبد معماری، معماری درون‌گرا، معماری برون‌گرا، محرم و محرمیت، خراسان شمالی، بجنورد.

مقدمه

تحولات قرن حاضر، زمینه ایجاد دگرگونی‌ها و تغییراتی در بین برخی جلوه‌های زندگی و فرهنگ جامعه ایرانی و کم توجهی به معماری‌های بومی شده است. مسکن یکی از پیچیده ترین بناها در طراحی است. طراحی کاربری مسکونی فراتر از پاسخ به یک برنامه است؛ زیرا باید چهره ی عمومی شهر را در عین جریان زندگی خصوصی ساکنین آن، به نمایش گذارد که به معنای تبعیت شرایط مسکن از ویژگی‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و به ویژه فلسفه فردی ساکنین آن است و سبب می گردد در جوامع گوناگون، از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد (Bemanian, 2008). معماری در ادوار مختلف تاریخی و در هر دوره از زندگی به زبان همان دوره، فهم و درک می‌شود. فرهنگ هر ملتی پاسخگوی چگونگی شکل‌گیری فضاها است. خصوصیات فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تاثیر شرایط متفاوت یک دوره بوجود آید مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... به محض به وجود آمدن می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات بوجود آورنده یک اثر (معماری) از بین بروند؛ آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل بوجود آورنده مطابق با خواستارهای فرهنگی^۱ باشد آن معماری ریشه ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند معماری فاقد حیات می‌شود و عوامل جدید آن را از میان بر می‌دارند.

شکل و ساختار کالبد معماری سکونتگاه‌ها از عوامل مختلفی تاثیر می‌پذیرد که به طور کلی به عوامل مرتبط با طبیعت و مرتبط با انسان شناخته می‌شوند. افراد در تجربه دنیای جدید، عملاً امکان زیادی برای تعیین شکل خانه خود ندارند و در موارد بسیاری مجبور به استفاده از خانه‌هایی هستند که پیش از این ساخته شده است و اکنون در اختیار آنها قرار می‌گیرد. اهمیت توجه به این مسئله تا حدی است که برخی از بزرگان معماری بزرگ ترین بحران دنیای معاصر را بحران خانه «عنوان کرده‌اند. از جمله می‌توان به لوکوربوزیه اشاره کرد که می‌گوید: «اسکان نادرست انسان را باید علت واقعی و ریشه ای ناآرامی‌های اجتماعی معاصر دانست» (Schultz, 2008: 169). شولتز، معمار متأثر ازهایدگر می‌گوید: «خانه مدرن از همه نظر عملی و بهداشتی بود اما شباهتی به خانه نداشت» (Ibid: 170).

برای آن‌که خانه فضای زیست مطلوب منظور گردد، الزاماً باید باز نمودی از فرهنگ و شیوه‌های زندگی باشد. همچنین باید دارای خصوصیات باشد که برخی الزامات فرهنگی- اجتماعی همچون نیازهای اعتقادی و مذهبی و توجه به آداب و رسوم^۲، علاوه بر شیوه‌های زیستی را پاسخ گوید (Khakpour et al., 2013). با توجه به نقش پر رنگ فرهنگ در معماری در این پژوهش مقصود آن است تا به واکاوی تحلیلی از نقش فرهنگ بر معماری خراسان شمالی (شهرستان بجنورد) بپردازیم. «فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها،

^۱ Cultural demands
^۲ Customs

اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگر است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است- (Emami, 2009: 68).

در راستای رسیدن به این مقصود سه سوال اساسی مطرح می‌باشد:

- فرهنگ چه نقشی در کالبد معماری استان خراسان شمالی دارد؟
- مهم ترین شاخص فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه‌های فرهنگی خراسان شمالی کدام است؟
- بیشترین فضای تاثیرپذیر از فرهنگ در معماری کدام است؟

رویکرد نظری

فرهنگ هر جامعه از طریق مظاهر آن مانند زبان، هنر و معماری مشخص می‌شود و تحلیل در حوزه فرهنگ با مطالعه مظاهر فرهنگی مرتبط است. معماری به عنوان یک موضوع از زندگی بشر منعکس کننده فرهنگ در هر جامعه است که با ویژگی‌های ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ارتباط نزدیکی دارد. مردم در هر کشوری سعی می‌کنند با استفاده از چیزهای مادی، هنجارهای خود را رعایت کرده و ارزش‌های خود را در ساخت معماری حفظ کنند (Etehad et al., 2014: 410).

خانه یکی از مهم ترین فضاهایی است که نقش‌های مختلف مادی، کالبدی و از همه مهم تر نقش فرهنگ در ساختار معماری آن به روش‌های مختلف نمود پیدا می‌کند من جمله به شکل عناصر، تزئینات، شکل‌ها، ترکیب‌های حجمی یا ترکیبات خاص در پلان‌ها. اگر حضور معماری در زندگی و مسائل یک دوره کمرنگ شود، این فقر حضور، به زبان و فرهنگ نیز منتقل می‌گردد و برعکس این مسئله نیز صادق است به گونه ای که اگر زبان و فرهنگ ملتی نقصان یابد یا حتی مورد هجوم زبان و فرهنگ بیگانه ای قرار بگیرد، معماری آن ملت نیز دگرگون می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت فرهنگ و معماری دو مقوله تفکیک ناپذیر می‌باشند که تاثیرگذاری آنان بر یکدیگر گره خورده است (Momeni and Masoudi, 2016: 67).

در زمینه فرهنگ و کالبد سکونتگاهی در خراسان شمالی (بجنورد) تحقیقی به صورت تخصصی و مستقیم صورت نگرفته است لکن پژوهش‌هایی در زمینه معماری بومی در این استان مورد توجه چند تن از محققین قرار گرفته است از جمله مظاهری کوبی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی معماری بومی در تعامل با توسعه پایدار شهرستان بجنورد پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد با بررسی معماری بجنورد در مقیاس خرد و کلان و انطباق آن با بحث پایداری می‌توان به نکات ارزشمندی از جمله استفاده از مصالح مناسب و جهت گیری صحیح که متاثر از اقلیم می‌باشد اشاره نمود، همانگونه که مشخص است این معماری با توجه به اقلیم و پایداری شکل گرفته است، ولی در سال‌های اخیر این مهم به فراموشی سپرده شده و به صورت سلیقه ای انجام گرفته است. معماری بومی نکات مهم و ارزشمندی برای استفاده در ساخت بناهای امروز و آینده و استفاده نسل‌های بعد در خود جای داده است، که با توجه به آنها می‌توان گامی مهم و ارزشمند در راستای توسعه پایدار، محیط زیست و نهایتاً آمایش سر زمین برداشت. رضائی و قناد (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی شاخص‌های بومی معماری استان خراسان شمالی پرداخته‌اند.

بر اساس شناسایی گونه‌های مختلف از واحدهای مسکونی در شهر بجنورد گونه‌های مسکونی به پنج دسته اعیان نشین، شیروانی پوش، ترکی ساز، خانه‌های جدید و آپارتمانی تقسیم بندی شده‌اند. با توجه به نتایج بدست آمده شاخص‌های بومی معماری بجنورد را می‌توان به ترتیب، بافت فشرده پلانی، توجه به درون گرائی پلان ساختمان‌ها، حداقل فضای ارتباطی با استفاده از راهروها برای کنترل انرژی، جهت‌گیری‌های شمالی جنوبی پلان‌ها، استفاده از حداقل ابعاد پنجره‌ها و جهت روشنایی فضاها، ایوان‌های ستون دار در جهت جنوب نام برد. للحج و موسوی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نگرش روانشناختی نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری پرداخته است یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار بین جنسیت و میزان ادراک عناصر بصری فضای معماری می‌باشد. تفکیک فضایی بین جنس‌ها، یعنی جنسی کردن فضا، توسط معمار گاه امری منطقی است؛ به خصوص در جوامعی که تفکیک بین زنان و مردان در اکثر شئون رعایت می‌شود. حتی جنسیتی شدن فضا براساس فرهنگ حاکم بر جوامع امری دور از ذهن نیست. از این رو، جنسیتی شدن یک فضا زمانی به عنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره برداری از آن فضا محروم شود؛ درحالی که امکان بهره مندی مطلوب از فضای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندان محسوب می‌شود. می‌توان گفت مکان‌های خاص ممکن است براساس جنس افرادی که آن‌ها را اشغال می‌کنند یا براساس فعالیت‌های مختلف جنسیتی که در آن‌ها انجام می‌شوند خصوصیات جنسیتی داده شوند.

رستم زاده و ایلکا (۱۳۹۱) در پژوهش خود به موضوع اقلیم، طبیعت و معماری و مسکن اقوام ترکمن پرداخته است. نتایج پژوهش این دو محقق نشان می‌دهد فرهنگ ساخت و چگونگی اجرای بنای تام ترکمنی طی سال‌ها اسکان این قوم به صورت سنت در میان آنان باقی مانده است و با اقلیم و کارکردهای معیشتی این نواحی همساز و همگون است. خاکپور و عشقی صنعتی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبد روستاهای گیلان پرداخته و یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی مردم روستا متأثر از شرایط طبیعی و خصوصیات اقتصادی و کنش‌های معیشتی استوار است که خود یکی از عوامل هماهنگی کنش‌های اجتماعی و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌گردد و این عوامل درکنار یکدیگر به وجود آورنده همگونی بافت کالبدی است که در پاسخ به نیازهای اجتماعی، معیشتی، اقلیمی و فرهنگی مشابه شکل می‌پذیرد.

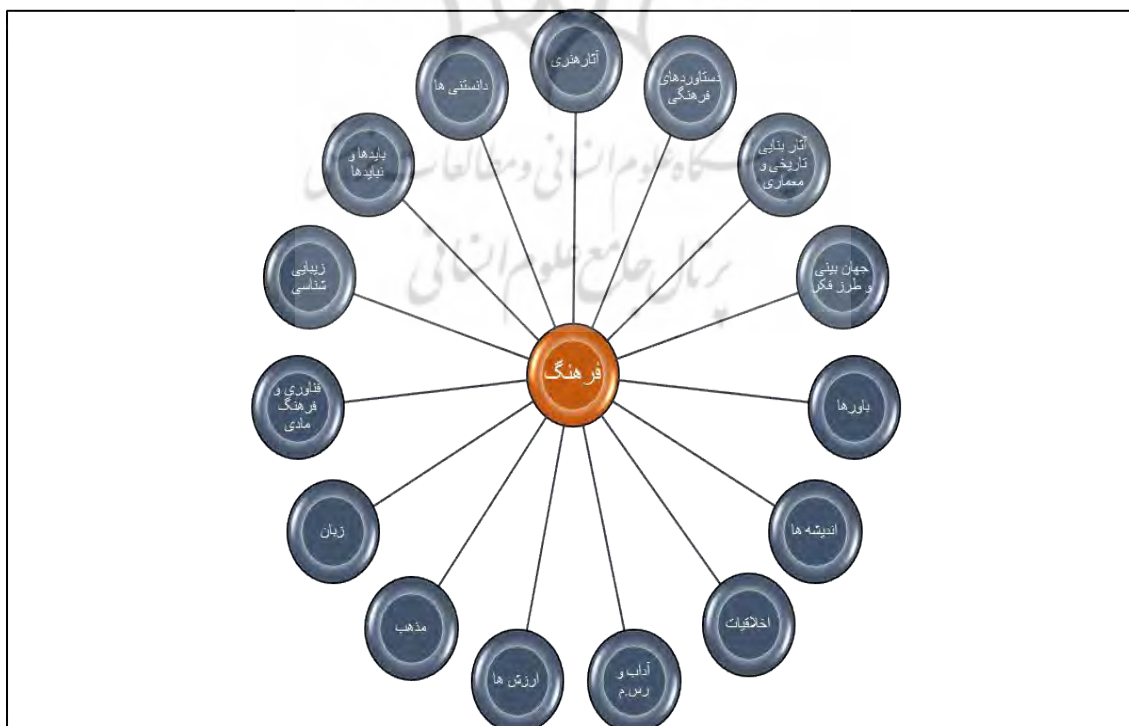
فرهنگ

کلمه فرهنگ هر چند تا حدودی مفهوم روشنی را در اذهان تداعی می‌کند، اما ریشه یابی لغوی این واژه تفسیر آن می‌تواند نقش ویژه ای را در تبیین عناصر، مبانی، زمینه‌ها و محتویات یک فرهنگ ایفا کند. فرهنگ را همچنین می‌توان به مثابه بخشی از جهان بینی و شیوه نگرشی دانست که مردم یک کشور در تعاملات و به ویژه در نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات ملی اتخاذ می‌کنند (Shariati and Azimi Torqadari, 2014: 130).

اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متعدد می‌باشد و در سیر تاریخی معانی متفاوتی به خود گرفته است. در یک تعریف فرهنگ پدیده ای کلی پیچیده از آداب و رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و

قابلیت انتقال به نسل‌های بعدی است (Anvari, 2003: 1652). شمس (۱۳۸۸) فرهنگ را به معنای الگوهای رفتاری آموخته شده می‌داند که بر پایه واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است. فلاحي (۱۳۹۲) فرهنگ را عبارت از شیوه زندگی کردن یک گروه یا جمع می‌داند که بر مبنای دستاوردهای مادی و معنوی گروهی که در طی فرایند تاریخ به دست آمده و دارای اعتبار می‌باشد، شکل یافته و در زندگی افراد جاری است. تعریف تایلر که در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی آمده به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است: «فرهنگ مجموعه پیچیده ایست که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد بعنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد (Ruh al-Amini, 2003: 17). فرهنگ هر قوم و آیینی و به تعبیر دیگر؛ فرهنگ هر ملت و کشوری، در برگیرنده باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و بایدها و نبایدهایی است که به عنوان زیربنای اصلی هویت آن کشور به شمار می‌آید (Maleki and Hatami, 2003: 72).

تعاریف مختلف و متفاوت از فرهنگ بیانگر این مطلب است که تمام دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ در قالب اصطلاح فرهنگ قابل تعبیر است؛ به همین سبب تعریف ذکر شده در فرهنگ مردم شناسی «میشل پانوف» را میتوان تعریفی جامع از فرهنگ دانست. فرهنگ را می‌توان در دو سطح مادی و معنوی دسته بندی کرد؛ فرهنگ مادی عبارت است از تمامی آنچه که عینی و ملموس است؛ مانند آثار هنری، دستاوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، خط، موسیقی و... فرهنگ معنوی یا غیر مادی نیز عبارت است از عقاید و رسوم، علوم و معارف، ارزش‌ها و اندیشه‌ها، اخلاقیات، دانستنی‌ها و... (Ruh al-Amini, 1993: 24).



شکل ۱: دیاگرام معناشناسی فرهنگ Source: Research Findings, 2020

فرهنگ، سکونت و معماری

به‌طور عام خانه یکی از مفاهیم پایه‌ای در فرهنگ تلقی می‌گردد. همان‌گونه که تعلیم و تربیت، خانواده و مذهب در تداوم شیوه زندگی بنا نهاده شده، خانه نیز تبلوری از جهان‌بینی و اخلاق قومی است. زیرا بسیاری از ارزش‌های اجتماعی رفتاری در روند فرهنگ‌سازی ثبت می‌گردد. در فرآیند فرهنگ‌پذیری نقش مسکن و نحوه استفاده از آن، حتی در دوره قبل از یادگیری زبان، تأثیری بارز بر آموخته‌های انسان دارد. لذا می‌توان ادعا کرد که مسکن نه تنها خود بازنمود بی‌واسطه فرهنگ است، بلکه چگونگی تعامل انسان با مسکن در کنش‌های روزانه، از اولین مراحل آموزش انسان بر او مؤثر است (Khakpour et al., 2013).

افرادی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند صاحب ارزش‌های فرهنگی متفاوتی هستند. فرهنگ از عواملی نظیر باورهای اساسی، ارزش‌ها و اخلاق ساخته می‌شود. ارزش‌های فرهنگی با روحیه انسان عجین می‌شود و فرد را در قضاوت در مورد درستی یا نادرستی کارها راهنمایی می‌کند. پس می‌توان گفت که معماری همچون سایر رفتارهای انسان متأثر از موقعیت فیزیکی و فرهنگی او در جهان است.

رویکردها و چهره‌های جدید معماری در نتیجه بحث در خصوص اهمیت سکونت و مفهوم آن شکل گرفته‌اند. آموس راپاپورت، معمار و طراح شهری معاصر از جمله همین افراد است. این معمار لهستانی الاصل، فرهنگ را وارد مباحث معماری کرده است و معتقد است شکل بنا را در نهایت، بینشی که یک قوم از زندگی آرمانی دارد تعیین می‌کند (Fakuhi and Ghaznavian, 2013).

درواقع مسکن به عنوان محیط مسکونی از دیدگاه‌های مختلف زیر قابل بررسی است:

۱- از دیدگاه اجتماعی^۱: انسان موجودی است اجتماعی که یکی از نیازهای آسایش او تشکیل خانواده است و برای حفاظت از کیان خانواده و مشخص شدن چهارچوب خانوادگی، نیاز به مسکن مناسب دارد، مسکنی که به عنوان پایگاه نمادین در محله‌های شهری، خانه هر خانواده نشانگر پایگاه اجتماعی و فرهنگی خانواده میباشد

۲- از دیدگاه روانی^۲: جامعه محیطی استرس‌زا و صحنه مبارزه و رویارویی فرد با مسائل و مشکلات زندگی است و ارتباط فرد با محیط پیرامون خالی از رفتارهای روانی و هیجانات و مشکلات عاطفی نیست، لذا این فشارها باعث پایین آمدن سطح کارایی فرد، خستگی فکری و مشکلات متعددی می‌شود که یک مسکن مناسب می‌تواند محیطی با آرامش فکری فراهم کند که انسان را از لحاظ روانی آماده فعالیت آینده کند (Ghorbani, 1995).

۳- از دیدگاه اقتصادی^۳: مسکن نوعی سرمایه‌گذاری با مفهوم اقتصادی بوده و فرصتهای شغلی، دوری و نزدیکی مسکن به محل کار، هزینه رفت و آمد از عوامل اساسی اقتصادی تأثیرگذار بر امر مسکن هستند (Kendall, 2004).

سکونت حس تعلق^۴ خاطر به نقطه‌ای ویژه است که دارای تأثیرات عمیق و پایدار میباشد. «معنای خانه، احساسی، شخصی و نمادین^۱ است. به‌همین سبب نمی‌توان آنرا در ملاک‌های کمیتهی گنجانند. خانه مفاهیمی

1 Social perspective

2 Psychological perspective

3 Economic perspective

4. Sense of belonging

چون هویت شخصی و گروهی^۲، درجاتی از خلوت شخصی و خصوصی بودن فضا را دربردارد» (Rapaport, 2005: 22)



شکل ۲: تاثیر متقابل فرهنگ و سکونت‌گزینی

Source: (Khakpour et al., 2013)

مسکن بومی مبتنی بر فرهنگ و سنت

فرهنگ، سازنده رفتارها و عملکردها است، بدین معنی که مردم هر فرهنگی به نوع خاصی زندگی می‌کنند، می‌نشینند، می‌خواهند، کار می‌کنند و... که با فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. ارتباط فضاها در هرساختمانی به دلیل اینکه از فعالیتهای مختلفی تشکیل شده متعاقب آن دارای تنوع فضایی است. فرهنگ است که تعیین میکند که چه فضاهایی با همدیگر ارتباط داشته باشند چه فضاهایی ارتباط نداشته باشند و شدت ارتباط چقدر باشد (Khosronia, 2009: 40).

سنت، برخاسته از فرهنگ است. دوره سنت، زمانه ای است که انسان در تعامل با سرزمین خود برای پاسخ به نیازهای زندگی اش، رعایت حد را به عنوان یک شاخص مهم سرلوحه عمل خود قرار می‌دهد (Koosheshgaran, 2007). همانطور که برخی از متفکران، فرهنگ را رفتارهای آموخته شده انسان‌ها می‌پندارند که از نسلی به نسل بعد آموزش داده شده و انتقال یافته‌اند، فرهنگ، شیوه زندگی همه مردم است (Haviland, 2003: 34).

معماری جامع و صحیح تنها در یک سنت زنده جان می‌گیرد و سنت نتیجه تجربه علمی چندین نسل در برابر مشکلی واحد است (Fathi, 1993). بنابراین تعاریف میتوان گفت که مسکن بومی یک گروه یا قوم که مبتنی بر سنت موجود در آن است، در واقع انتزاع و نمادی از آن فرهنگ عامل تعیین کننده شکل خانه‌های بومی است. در جوامع سنتی برداشتی واحد از زندگی جمعی، الگوی مسکونی پذیرفته شده، گونه‌های مسکونی و سلسله مراتبی مورد قبول وجود دارد و در نتیجه یک شیوه والگوی معینی برای ساخت مورد قبول همگان است.

¹.Symbolic

².Personal and group identity

این الگو تا زمانی پایدار خواهد بود که سنت و فرهنگ به وجودآورنده الگو، پایدار باشد (Vali Beg and Rastegar Jaleh, 2017). در این گونه جوامع هر فرد قادر به ساختن خانه خود می‌باشد و مفهومی به نام «سنت» روشی را برای انجام هر کاری تعیین می‌کند.

امروزه پایبندی معماران به وجوه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که «طراح به منزله پرورش دهنده، موجب تقویت پیوندهای مردمی می‌شود؛ زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط با توجه کامل به وجوه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است» (Grouit and Wang, 2005: 117). بنابراین، خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها و انتظام فضایی آنها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکن در آنهاست. در بررسی فرم خانه، در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی سیاسی در آن فرهنگ دارد. (Giffred, 1998: 85)

عواملی همچون اقلیم و جغرافیا^۱، آئین و مذهب^۲ و تأثیرات ادراکی و انسان‌شناختی که زمینه‌ساز فرهنگ هر منطقه هستند؛ به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کالبد ساختاری^۳ و فضایی ابنیه‌ی آن منطقه تأثیرگذارند (Fakuhi and Ghaznavian, 2013).

یکی از انگاره‌های فرهنگی^۴ که می‌تواند طراح را در طراحی بومی کمک نماید، نقوش خاصی است که فرهنگ‌های مختلف از آنها بیشتر استفاده می‌نمایند. نقوش از جمله دستاوردهای فرهنگی هستند که یا در طول تاریخ ایجاد شده‌اند، یا در یک فرآیند نمادسازی تولید شده و یا براساس خصوصیات طبیعی و تاریخی اقوام شکل یافته‌اند و تبلوری از روحيات قوم هستند. به هر حال نقوش طی هر فرآیندی که تولید شده باشند، می‌توانند به‌طور مستقیم و یا با طی پروسه تجرید و تعمیم در طراحی شهری و بالاخص نماهای شهری به‌کار روند؛ زیرا دست‌کم فرهنگ گروه موردنظر از لحاظ روانی با نقش مزبور آشنا بوده و از دیدن آن در فضاهای شهری لذت می‌برد و این باعث برانگیخته شدن احساس تعلق او خواهد شد (Pourjafar et al., 2011). برای نمونه در کشورهای شرقی، همانند ژاپن، معماری خانه‌ها تحت تأثیر خصلت‌های فرهنگی است. به طوری که دو صفت خوی سپاهی گری و گرایش به کارهای هنری در ارتباط با آئین شیئتو که بر پایه آنیمیزم^۵ و طبیعت پرستی^۶ استوار است، معماری آنها را متأثر نموده است (Merton, 1977).

جغرافیای طبیعی و خصوصیات اقلیمی

استان خراسان شمالی با مساحتی حدود ۲۸۱۷۹ کیلومتر مربع از ۷ شهرستان بجنورد (مرکز استان)، شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، جاجرم، فاروج و گرمه تشکیل شده است. استان خراسان شمالی از نظر موقعیت ریاضی بین مدارهای ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۴۱ دقیقه شمالی و بین نصف النهارهای ۵۵ درجه و ۵۳ دقیقه تا

¹.Climate and Geography

².Religion

³.Structural Body

⁴.Cultural paradigms

⁵.Anime

⁶.Naturalism

۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی قرار دارد. از نظر موقعیت نسبی این استان از جهت شمال به جمهوری ترکمنستان، از جنوب و شرق به استان خراسان رضوی، از سمت غرب به استان گلستان و از سمت جنوب غربی به استان سمنان محدود می‌شود (جغرافیای طبیعی استان).

هر کدام از اقلیم‌های آب و هوایی طراحی معماری مربوط به خود را طلب می‌کند که در این صورت باعث بهبود شرایط ساختمان می‌شود. استان خراسان شمالی دارای تنوع آب و هوایی است. به دلیل گسترش نواحی کوهستانی، آب و هوای آن اغلب معتدل کوهستانی است. قسمت‌هایی از جنوب استان به دلیل مجاورت با کویر مرکزی از آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی و قسمت‌های مرتفع آن، از آب و هوای سرد کوهستانی برخوردار است. منطقه بجنورد عموماً متأثر از دو توده هوایی سرد سیری از سمت شمال و گرم مدیترانه ای خزری از سمت غرب می‌باشد بر اثر بر خورد این دو توده هوایی با هم به ویژه در فصل زمستان پدیده ای بارش به صورت برف در مناطق مرتفع و تا حدودی به همراه باران در مناطق پست، دشت‌های منطقه صورت می‌گیرد. علیرغم سردی و خشکی توده هوای سرد سیری، توده هوایی خزری گرم و مرطوب می‌باشد (Golzar et al., 2015). منظور از طراحی اقلیمی یعنی طراحی که بتواند ضمن هماهنگی با محیط طبیعی پیرامون خود و بهره گیری هرچه بیشتر از نیروی طبیعی موجود در محل تا حد امکان محیط طبیعی مناسبی برای استفاده کنندگان ایجاد کند (Kasmai, 2003).

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

این پژوهش از لحاظ هدف تحقیق کاربردی و از نوع اکتشافی می‌باشد. از لحاظ روش کیفی و از نوع پیمایشی است. روش جمع آوری اطلاعات آمیخته (توصیفی-تحلیلی) و با استفاده از انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته و استخراج از اسناد و مدارک و مبانی نظری پژوهش و با استفاده از نظر متخصصان و صاحب‌نظران می‌باشد. در این تحقیق، بنا به دلایلی همچون:

۱- پیچیدگی موضوع و ناشناخته بودن نسبی اش؛ ۲- شرایط خاص صاحب‌نظران، به علت مشغله پاسخگویان برای شرکت در مصاحبه؛ ۳- کمبود تحقیقات در زمینه شاخص‌سازی و همچنین فقدان تئوری جامع برای تدوین مبنا نظری معیارهای ارزیابی، استفاده از روش کیفی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. روش‌های مختلف تحقیق کیفی به رغم اشتراک در پژوهش محور بودن، پیش‌فرض‌های متفاوتی دارند و در پی هدف جداگانه‌اند.

هر روشی در پژوهش کیفی بر درک خاصی از موضوع تحقیق خود مبتنی است؛ با این وجود نباید روش‌های کیفی را مستقل از فرآیند تحقیق و موضوع مورد مطالعه دانست؛ زیرا این روش‌ها در چارچوب فرآیند تحقیق جای گرفته‌اند (Flick, 2008). روش‌های کیفی اساساً برای پرده برداشتن از پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و دیدن اینکه در پشت آن‌ها چه نهفته است، یا برای کسب نگاهی نو درباره‌ی آن چیزهایی که میزان از آگاهی درباره‌شان وجود دارد

به کار گرفته می‌شوند و نیز می‌توانند جزئیات ظریفی از پدیده‌هایی که ارائه آن‌ها به روش‌های کمی مشکل است به دست دهند (Strauss and Corbin, 2006).

این پژوهش در پی بررسی نقش فرهنگ در کالبد معماری استان خراسان شمالی (شهرستان بجنورد) و شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه‌های فرهنگی خراسان شمالی، می‌باشد انتخاب مشارکت-کنندگان در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند با روش گلوله‌برفی است. حدتوقف یا اشباع درانتخاب نمونه‌ها جایی است که دیگر در بین مفاهیم ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان مفهوم جدیدی مشاهده نشود (کرسول، ۲۰۱۲، ۲۰۷).

مصاحبه یکی از شیوه‌های دستیابی به معرفت نظام‌مند است که گونه‌های مختلفی دارد و به تناسب هر پژوهش، از نوعی مصاحبه بهره گرفته می‌شود (Mohammadpour, 1390: 142). نتایج حاصل از این تحقیق در طراحی و بهبود فضاهای مسکونی تاثیر گذار خواهد بود و رضایتمندی بیشتر ساکنین از فضای زندگی را فراهم می‌آورد.

توجه به موضوع پژوهش حاضر از یک سو و مبتنی بودن راهبرد تحقیق بر گردآوری اطلاعات از متخصصین، مصاحبه‌های این پژوهش از نوع مصاحبه‌های نیمه - ساخت‌یافته، نیمه‌بسته و نیمه‌منظم هستند و رویکرد کلی حاکم بر آن‌ها، ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی است (Adapted from: Jenning, 2005: 101, quoted by Mohammadpour, 1390: 152).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش در بخش کیفی به شرح ذیل است:

در بخش کیفی پس از انجام «مصاحبه عمقی» با نخبگان و متخصصین مربوطه، اقدام به پیاده سازی محتوای مصاحبه‌ها نموده و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی و تحلیل محتوا که از توصیف پرنوعه و سیرداستان بکار خواهیم برد. در این بخش تک تک متن مصاحبه‌ها به دقت بررسی و جملات کلیدی استخراج می‌شود و سپس با توجه به ابعاد ویژگی‌های آنها، عملیات طبقه بندی و اختصاص کد صورت خواهد گرفت. بدین صورت که پس از خواندن هر جمله، یک کد اختصاصی که گویای آن مطلب است، بدان اختصاص خواهد یافت و به طور کلی در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها به کدها تبدیل خواهد گردید. کد گذاری محوری دومین سطح از کدگذاری در تجزیه و تحلیل داده می‌باشد که پس از کدگذاری باز صورت خواهد گرفت. کدگذاری محوری مجموعه رویه‌هایی برای مقایسه طبقات و ایجاد طبقات جدید براساس داده‌ها از طریق کشف روابط میان آنها می‌باشد که در این پژوهش مورد استفاده محقق قرار گرفته است.

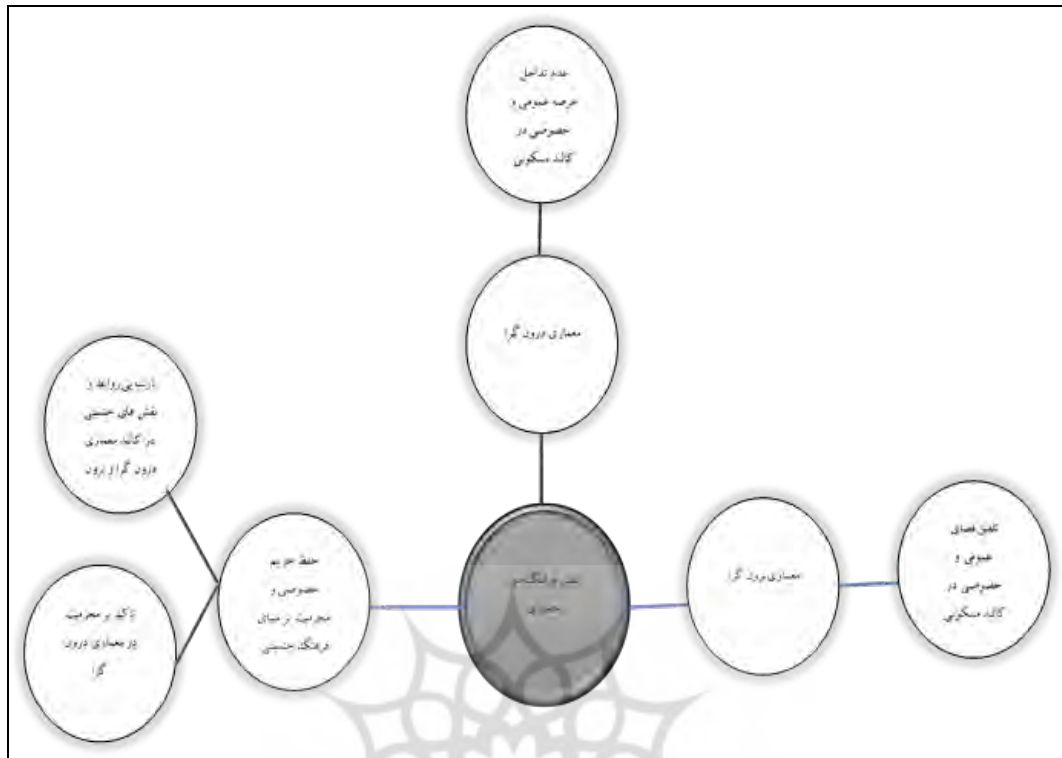
یافته‌های تحلیلی

نتیجه تحلیل ۴ مصاحبه با خبرگان حوزه مربوطه در راستای واکاوی نقش فرهنگ بر کالبد معماری در استان خراسان شمالی: نمونه موردی دو قوم ترک و کرمانج شهرستان بجنورد مضمون توصیفی، ۱۳ مضمون کد سازمان دهنده و در نهایت، ۲ مضمون فراگیر استخراج گردید. بدین ترتیب که با تحلیل متن هر مصاحبه قطعاتی از هر مصاحبه که به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دادند، استخراج شد.

سپس با ظهور مضامین پایه در هر مصاحبه تلاش شد با مقایسه مستمر آنها، این کدها بر اساس شباهت‌های مفهومی در دسته‌های انتزاعی تری با عنوان مضامین سازمان دهنده خوشه بندی شوند. با پیشبرد گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز این مضامین سازمان دهنده در ذیل چترهای مفهومی بزرگ تری با عنوان مضامین فراگیر طبقه بندی شده و در نهایت، شبکه مضامین را به عنوان الگوی نهایی تحقیق شکل دادند.

شکل ۱: مضامین تحقیق

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> ➤ عدم جدایی گزینی عرصه عمومی و خصوصی کالبد مسکونی ترکمن‌ها ➤ عدم وجود حصار بصری و رفتاری در واحد مسکونی ترکمن‌ها ➤ عدم وجود دیوار و مانع در ورودی خانه ترکمن‌ها ➤ عدم تفکیک مهمان خانه از عرصه زندگی شخصی و خانوادگی ➤ نیمه محصور بودن فضای اتاق نشیمن و محل اجتماع اعضای خانه ➤ عدم تفکیک واحدهای کالبد مسکونی در اقوام ترکمن ➤ عدم وجود فضای تفکیک شده و حائل بندی شده ➤ ارتباط دیداری و حسی در کالبد مسکن ترکمن ➤ ایوان فضای ارتباط با طبیعت و فضای عمومی ➤ انجام فعالیت‌های جمعی در ایوان 	<p>تلفیق فضای عمومی و خصوصی در کالبد مسکونی ترکمن‌ها</p> <p>معماری برون گرا و درون گرا</p>	مضامین پایه
<ul style="list-style-type: none"> ➤ وجود حصار و جدایی محدوده عمومی و خصوصی در منازل کرمانج‌ها ➤ وجود معماری بسته و درون گرا در خانه‌های کرمانج‌ها ➤ تقسیم بندی خانه به اندرونی و بیرونی ➤ درون گرا بودن خانه‌های کرمانج‌ها ➤ نداشتن ارتباط بصری مستقیم با فضای خارج از خانه ویژگی معماری درون گرا ➤ اهمیت حیاط در معماری درون گرا خانه‌های کرمانج‌ها ➤ وجو مانع بین ورودی و مهمان خانه و جداسازی فضای عمومی و خصوصی و رعایت اصل محرمیت در فرهنگ کرمانج ➤ تفکیک مهمان خانه از بخش‌ها خصوصی 	<p>عدم تداخل عرصه عمومی و خصوصی در کالبد مسکونی کرمانج‌ها</p> <p>معماری درون گرا و برون گرا</p>	مضامین پایه
<ul style="list-style-type: none"> ➤ جدایی حریم‌های جنسیتی در کالبد مسکونی کرمانج ➤ تفکیک فضای اندرونی و بیرونی بر اساس نقش‌های جنسیتی ➤ تفکیک جنسیتی فضا بر اساس فعالیت‌ها ➤ نقش معیشت و طبقه اجتماعی در فعالیت زنان و ارتباط کمتر آنان با عرصه عمومی ➤ کم‌رنگ بودن نقش جنسیت و محرمیت در مسکن ترکمن ➤ نمود الگوی جنسیت-فضا و محرمیت-فضا در مسکن کرمانج 	<p>بازنمایی روابط و نقش‌های جنسیتی در کالبد معماری درون گرا و برون گرا</p> <p>معماری درون گرا و برون گرا</p> <p>مبنای فرهنگ جنسیتی</p>	مضامین پایه
<ul style="list-style-type: none"> ➤ رعایت اصل محرمیت در معماری درون گرا ➤ نقش فرهنگی حیاط در رعایت اصل محرمیت و جدایی فضای اندرون و خصوصی زنان با بیرون ➤ وجو مانع بین ورودی و مهمان خانه و جداسازی فضای عمومی و خصوصی و رعایت اصل محرمیت در فرهنگ کرمانج 	<p>تاکید بر محرمیت در معماری درون گرا</p>	مضامین پایه



نمودار ۲: شبکه مضامین سازمان دهنده و فراگیر

Source: Research Findings, 2020

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در پاسخ به این پرسش فرهنگ چه نقشی در کالبد معماری استان خراسان شمالی شهرستان بجنورد دارد؟ مهم‌ترین شاخص فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه‌های فرهنگی خراسان شمالی شهرستان بجنورد کدام است؟ و بیشترین فضای تاثیرپذیر از فرهنگ در معماری کدام است؟ با مرور نظام مند اسناد و پیشینه‌های موجود، اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های فرهنگی دو قوم مورد بررسی شامل نگرش مذهبی، رفتارها، عقاید، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، روابط و مناسبات فردی و اجتماعی تاثیرات خاصی بر کالبد بناها و واحدهای مسکونی در هر قوم داشته است.

بین ویژگی‌های فرهنگی دو قوم کرمانج و ترکمن (نظیر ویژگی‌های جنسیتی، تعاملات اجتماعی و حریم و حریمیت) و نوع ساختار کالبدی بناها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این ویژگی‌های فرهنگی در هر قوم بر ساخت و چگونگی اجرای بناهای مسکونی طی سال‌ها اسکان این اقوام در این منطقه به صورت سنت در میان آنان باقی مانده است و حتی می‌توان گفت طرح این نوع ساختمان‌ها به نوعی در ساختمان‌هایی که امروزه بنا می‌شوند تا حدودی تاثیرگذار است. اگر چه با گذشت زمان و سالیان طولانی تا حدودی برخی ویژگی‌های فرهنگی این اقوام از جمله شیوه‌های معیشتی و جنسیتی این اقوام در حال کمرنگ شدن است اما برخی از این ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگی اقوام مذکور را می‌توان نمونه‌ای از هنر ساخت کالبد بنا این محدوده به شمار آورد.

با مرور تحقیقات و مطالعات اسنادی و همچنین مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان حوزه مربوطه دو قوم کرمانج و ترکمن در رابطه با ویژگی‌های قومی و تاثیر آن بر کالبد ساختمان‌های عمومی و خانه‌های قدیمی بجنورد، می‌توان پایه شکل‌گیری طراحی کالبد بناها را با توجه به نقش چشمگیر ویژگی‌هایی هم چون ویژگی‌های جنسیتی، حریم و محرمیت و ویژگی‌های معیشتی هر قوم بیان نمود. این شاخص‌های فرهنگی توانسته تاثیرات خود را بر کالبد بناهای این منطقه بگذارند و ساختار بناها را به دو نوع درون‌گرا و برون‌گرا تبدیل نماید.

همچنین به این نکته می‌توان اشاره کرد که بازخوانی ویژگی‌های فرهنگی این اقوام در معماری سنتی آنان می‌تواند زمینه‌ای برای به کارگیری روش‌ها و جزئیات ساخت مسکن جدید در این منطقه بشمار آورد. محرمیت به عنوان یکی از شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش از اصول اساسی حاکم بر مناسبات و تعاملات میان افراد در هر قوم است که تاثیرات آن در ساختار کالبدی معماری سنتی در این اقوام غیر قابل کتمان است و معماری به عنوان کالبد اندیشه همواره ابزاری برای بروز نگرش و اندیشه‌های هر قوم است.

شکل‌گیری اندرونی‌ها و بیرونی‌ها، درونگرایی و مرکزگرایی همه نشأت گرفته از اصول جهان بینی مردم هر قوم و ملتی بوده است و حفظ محرمیت و سلسله مراتب در فضاهای خصوصی در معماری هر قوم کاملاً به چشم می‌خورد.

اهمیت محرمیت و حفظ حرمت در نگرش‌های قوم کرمانج موجب شده بود که برای مردان و زنان، دو کوبه جداگانه و با شکل‌های معین بر روی لنگه‌های در نصب گردد. کوبه‌ای که صدای بم داشت مختص مردان بود و کوبه‌ای که صدای زیر داشت مختص زنان است و این موضوع در ساختار خانه‌های کرمانج‌ها نمود بیشتری نسبت به خانه‌های اقوام ترکمن دارد. این تمایز سبب می‌شد که ساکنان خانه و به ویژه کسی که برای بازکردن در می‌رفت از صدای کوبه جنس مراجعه‌کننده را تشخیص داده و برای روبرو شدن با او آمادگی نسبی پیدا کند. در خانه‌های اقوام ترکمن این مورد نمود کمتری داشته و بیشتر تاکید شاخص محرمیت بر موضوع امنیت و آزادی باز می‌گردد که رعایت این اصل در میان اقوام کرمانج شدیدتر از اقوام ترکمن می‌باشد. در اقوام ترکمن حوزه عمومی و خصوصی خانه‌ها کمتر رعایت می‌شده است و بالعکس در اقوام کرمانج این موضوع تاکید بیشتری داشته‌اند.

همچنین کالبد معماری بناها در هر دو قوم، تحت تاثیر جنسیت که واجد خاستگاه‌های فرهنگی، محیطی، اجتماعی، آن قوم است شکل گرفته؛ سیمایی که با برونگرایی اقلیمی و درونگرایی فرهنگی همساز با اقلیم و فرهنگ نمایان شده است. در خانه‌های قوم ترکمن فضاهای خصوصی بناها در طول روز می‌توانند با فضای عمومی ترکیب یا تفکیک شوند اما در اقوام کرمانج این موضوع کمتر شهود دارد و تنها در شرایط خاص اتفاق می‌افتد. همچنین در بناهای مسکونی کرمانج‌ها اتاق میهمان در نزدیکی ورودی قرار دارد و میهمان بدون ورود به حریم خصوصی وارد اتاق میهمان می‌شود اما در اقوام ترکمن این عرصه‌ها هم پیوندی بیشتری با یکدیگر دارند.

همچنین در زمینه شیوه‌های معیشتی تفاوت‌های بارزی بین دو قوم وجود دارد. همکاری زنان و مردان در اقوام ترکمن در تامین معیشت اصولاً از نوع همبستگی و تعاملی می‌باشد که اثرات آن در کالبد بنا به گونه‌ای است که

منجر به کاهش حصارهای جنسیتی در درون و بیرون کالبد بناهای مسکونی می‌گردد و نمونه بارز آن ایوان است که عنصر ارتباطی فضاهای خصوصی و عمومی است و مهمان‌خانه نیز در ارتباط مستقیم با عرصه‌های عمومی است که در نتیجه کاهش نقش و محدودیت‌های جنسیتی و کمرنگ شدن موضوع حریمت می‌باشد. در اقوام کرمانج کارخانگی مختص زنان است و عرصه‌های عمومی منحصر به مردان و به نوعی شیوه معیشتی تک جنسیتی یا تفکیک جنسیتی را می‌توان مشاهده کرد که نمود آن در کالبد بناهای مسکونی نیز مشهود است و منجر به جدایی فضاهای خصوصی از عمومی می‌گردد همچون نشیمن خصوصی که ارتباط غیر مستقیم با عرصه خارجی دارد و بحث ویژگی‌ها و نقش‌های جنسیتی در آن پررنگ تر و حریمت نیز کاملاً نمایان است.

جدول ۲: تحلیل شاخص‌های فرهنگی بر اساس اولویت‌ها

اولویت	ارزش‌هاو هنجارهای فرهنگی اجتماعی	ویژگی نمادین	الگوهای رفتاری و فعالیت‌ها	بیان کالبدی
اولویت اول	حریمت- جنسیت	حجاب در زنان	ترکمن: کمرنگ بودن ارزش‌های حریمت-فضا، فعالیت زن در بیرون فضای خانه، ادغام فعالیت‌های روزمره و اجتماعی و مهمانی‌ها، عدم محدودیت در خروج از خانه	ترکمن: عدم وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی، عدم تفکیک فضاهای داخل خانه از جمله مهمان‌خانه و مطبخ از سایر قسمت‌های خانه، عدم جدایی حریم اندرونی و بیرونی در بیشتر خانه‌ها و وجود فضای محرم حیاط جهت انجام فعالیت‌هایی نظیر شست و شوی و...- آسپزخانه بسته- پیش‌بینی یک اتاق ویژه مهمان و ورودی مجزا برای آن از فضای هشتی یا دالان برای اینکه مهمان داخل صحن خانه نشود
اولویت دوم	معیشت و ساختار روابط در خانواده	معیشت: کشاورزی، دامداری، دامپروری	ترکمن: نوع معیشت تعاملی زنان و مردان، مشارکت زنان در امرار معاش، نوع خانواده گسترده و تعاملی، تامین نیرو برای تولید، برتری حریم جمعی و مشارکتی به فردی، نوع روابط اجتماعی مشارکتی و ارتباط قوی همسایگی و محدود نشدن دید و بازدیدها به مهمانی‌های فامیلی	ترکمن: ادغام فضای اتاق‌های، پیوند مهمان‌خانه و دیگر فضاهای خانه، باز بودن فضای مطبخ، انجام پخت پز در ایوان و فضاهای باز، انجام امور روزمره بصورت مشارکتی در حیاط و فضاهای برونی (عمومی)، وجود نداشتن اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق نهار خوری و خواب انفرادی، همکاری در فعالیت‌های معیشتی توسط زنان همچون دامداری، ریسندگی و فرش بافی، ایوان ورودی به عنوان فضایی برای فعالیت‌های دیداری یا رفت و آمدهای ساده روزمره با همسایگان و خویشاوندان
اولویت سوم	روابط جمعی و پیوند خانوادگی	زندگی بصورت جمعی در قالب خانواده‌های گسترده در کنار یکدیگر	ترکمن: پیوندهای محکم خانوادگی، زندگی دسته جمعی در واحدهای مسکونی، همبستگی بالای افراد یک خانواده، روابط عشیرتی، تعاملات اجتماعی باز	ترکمن: سکونت چندین خانوار در هر واحد مسکونی، ایوان یک فضای عمومی است که در اختیار کلیه خانوارها قرار دارد، ارتباط نزدیک خانوارهای مختلف در داخل واحد مسکونی و عدم تفکیک فضاهای کالبد مسکونینف عدم وجود هشتی و دالان
			کرمانج: پیوندهای خانوادگی محکم، محدود بودن گستره زندگی بصورت جمعی، تعاملات اجتماعی بسته تر	کرمانج: سکونت یک خانوار در هر واحد، تفکیک فضاهای یکدیگر، وجود ورودی، هشتی و دالان، مطبخ محصور شده

تشکر و قدردانی: مشارکت نویسنده دوم مقاله با حمایت مالی دانشگاه زابل با کد پژوهانه: ۹۷۱۸UOZ-GR-۹۰- انجام شده است.

References

- Strauss, Anselm, and Corbin, Juliet, (2012), "Fundamentals of Qualitative Research (Techniques and Stages of Production of Underlying Theory)", Translator: Afshar, Tehran: Ney Publishing.
- Pourjafar, Mohammad Reza; Rafiyan, Mojtaba; Arbabzadegan Hashemi, Seyed Alireza; (2011); Exploring the cultural ideas of the Kurdish people to design desirable urban spaces; Utopia architecture and urban planning; Fall and winter 1394; No. 15; Pp. 193-181; Faculty of Art and Architecture; Tarbiat Modares University; Tehran.
- Khakpour, Mojgan; Ansari, Mojtaba; Sheikh Mahdi, Ali; Tawusi, Mahmoud; (2015); Socio-cultural characteristics of indigenous housing; Housing and village environment; Volume 34; No. 149; Pp. 14-3; Faculty of Art and Architecture; Tarbiat Modares University; Tehran.
- Rapaput, Amos, (2005); The meaning of the constructed environment (an approach in non-verbal communication); Translated by Farah Habib; Tehran, Urban Processing and Planning Company Publications.
- Rostamzadeh, Yavar; Ilka, Shahab, (2012), Climate, Nature and Housing Architecture: A Study on the Construction and Implementation of Narkman Rural Housing with Emphasis on Gomishan Turkmen Complexes, Quarterly Journal of Environmental Science and Technology, Volume 14, Number 2: 133-147
- Rezaei, Hassan; Confectionery, Bahador, (2012). A Study of Indigenous Architecture Indices of North Khorasan Province, International Conference on Civil Engineering Architecture and Sustainable Urban Development
- Ruholami, Mahmoud (2004), "Field of Cultural Studies", Tehran: Payame Noor University
- Shariati, Shahrooz; Azimi Torqadri, Mohammad (2014) "Strategic Requirements of the Islamic Republic in Crisis Management of Soft War", Iranian Cultural Research Quarterly, Volume 7, Number 3: 127-148
- Fathi, Hassan. (1993), Building with the people, translated by Ali Ashrafi. Tehran, University of Arts, Vice Chancellor for Research.
- Fakuhi, Nasser; Ghaznavian, Zahra; (2012); Anthropological study of optimal spatial diversity from the perspective of residents of urban houses in Tehran, Alborz and Qazvin; Iranian Anthropological Research Quarterly; Volume 2; Number 3 ; Pp. 52-29; Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
- Fakuhi, Nasser; Ghaznavian, Zahra; (2012); Anthropological study of optimal spatial diversity from the perspective of residents of urban houses in Tehran, Alborz and Qazvin; Iranian Anthropological Research Quarterly; Volume 2; Number 3 ; Pp. 52-29; Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
- Kresol, Jan (2012), "Qualitative Scanning and Research Design: Choosing from Five Approaches (Narrative Studies, Phenomenology, Foundation Data Theory, Ethnography, Case Study)", translated by Hassan Danaeifard, Hossein Kazemi, Saffar Publications, Second Edition. Tehran.
- Activists, Ali Akbar. (2007), Recognizing the effective areas for explaining the Charter for the Protection of Rural Heritage of Iran. PhD Thesis, Department of Architecture and Shahr-e-Azi, University of Science and Technology, Tehran
- Kasmai, (2003). Climate and architecture, soil diffusion.
- Golzar, Majid et al., (2015). Investigation of Geomorphological Factors in Location and Distribution of Rural Settlements by Hierarchical Analysis System, First International Conference on Geographical Sciences, Shiraz
- Mohammadpour, Ahmad (2011), "Anti-method", Tehran: Sociologists.
- Merton, S.. (1356); Japanese history and culture; Translated by Massoud Rajabunya; Tehran: Amirkabir

- Mazaheri Kokabi, Mehrdad, (2015). Indigenous Architecture in Interaction with Sustainable Development (Case Study: Bojnourd County), International Conference on Indigenous Architecture and Urban Planning of Iran
- Howland, William (2003). Cultural Anthropology. Social Science Quarterly: The Growth of Social Science Education. Spring. Number 22.
- Kendall st. (2004). Flexibility program scheduling". Journal of clinical engineering. pp 38-39.



**Analytical research on the role of culture in architectural body design
(Case study of North Khorasan, Bojnourd city)**

Mojtaba Emami

Department of Architecture, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

Faramarz Hassanpour*

Department of Architecture, Zabol Branch, Islamic Azad University, Zabol, Iran

Hossein Mehrpouya

Department of Archeology, Faculty of Art & Architecture, Sistan & Balouchestan University,
Zahedan, Iran

Abstract

In different periods of history, tribal, ethnic, climatic, religious, etc. cultural characteristics have had an impact on the design of the architectural body. Differences in the cultural characteristics of different climates have led to the emergence of distinct shapes in living spaces and the shape of habitats. The purpose of this study is to investigate the role of culture in the design of the architectural body in North Khorasan, Bojnourd city. Since the residents of this province and city are composed of different ethnicities, we selected two Turkmen and Kermanj ethnic groups and put the studies and studies done by focusing on these two ethnic groups, which constitute the majority of the residents of this city. In order to achieve this goal, three basic questions are raised: 1- What is the role of culture in the type of architectural body of North Khorasan province? 2- What is the most important cultural indicator influencing the form of cultural settlements in North Khorasan? 3- What is the most influential space of culture in architecture? Following the answers to the above questions, he studied systematic and systematic documents and then conducted a semi-structured interview with several elites in the relevant field. The results show cultural characteristics such as representation of relationships and gender roles, privacy and Privacy based on gender culture, individual and social ties have had the greatest impact on North Khorasan's colonial body. Based on the above cultural features, the architectural body between these two ethnic groups is classified into two types of introverted and extroverted architecture. Introverted architecture with an emphasis on the separation of public and private arenas among Kermanshah and extroverted architecture with an emphasis on the integration of public and private arenas among Turkmens.

Keywords: Culture, Body of Architecture, Introverted Architecture, Extroverted Architecture, Muharram and Privacy, North Khorasan, Bojnourd.

* (Corresponding author) fhassanpour@uoz.ac.ir